

جشنواره موسیقی فجر

جشنواره موسیقی برگزیدگان خود را شناخت

ظرفیت بی بدیل و تمایز آشکار هنر موسیقی با دیگر هنرها

● شنبه، ۳۰ دی ۱۳۹۶، سی‌وسومین جشنواره موسیقی فجر پس از ۱۰ روز برگزاری اجراهای مختلف در سالن‌های تهران، به گام پایانی رسید. مراسم اختتامیه این جشنواره در تالار وحدت برگزار شد. در این مراسم برگزیدگان موسیقی کلاسیک و موسیقی ایرانی معرفی و جایزه یارید به آنها اهدا شد.
داوران بخش موسیقی کلاسیک وارطان ساهاکیان، تقی ضرابی و سیاوش ظهیرالدینی بوده‌اند و نوید افقه، بهداد بابایی، سیامک جهانگیر ی و مهیار طریخی داوران بخش موسیقی ایرانی بوده‌اند. برای اهدای جوایز این بخش هوشنگ کامکار، محمد سریر، ایرج راد و وارطان ساهاکیان روی صحنه آمدند.

آهنگ‌سازی موسیقی کلاسیک

در این بخش لوح تقدیر به خانم پریسا پیروزاده برای نوازندگی در آلبوم وکالیز اهدا شد. (در روزهای قبل که کاندیداهای این بخش معرفی شدند، حضور پریسا پیروزاده در این بخش به‌عنوان کاندیدای تعجب‌برانگیز بود، چراکه پیروزاده در آلبوم «وکالیز» آثار آهنگ‌سازان موسیقی کلاسیک را اجرا کرده است) و جایزه یارید در بخش آهنگ‌سازی موسیقی کلاسیک به طور مشترک به علیرضا مشایخی برای آلبوم «سینکروم» و کارن کیهانی برای آلبوم «باغ بی‌برگی» تعلق گرفت.

موسیقی معاصر بی‌کلام

لوح تقدیر به احسان صبحی‌فر برای آلبوم «چهارگان» داده شد. جایزه یارید در بخش آهنگ‌سازی برای موسیقی معاصر بی‌کلام به میلاد درخشانی برای آلبوم «نقطهٔ یزدا» تعلق گرفت.

آهنگ‌سازی موسیقی معاصر باکلام

جایزه یارید در بخش بهترین آهنگ‌سازی موسیقی ایرانی باکلام به کاوه صالحی برای آلبوم «این هم حکایتی است» تعلق گرفت.

خوانندگی در بخش موسیقی معاصر باکلام

جایزه یارید در بخش بهترین خواننده موسیقی معاصر به علیرضا قربانی تعلق گرفت. قربانی پس از دریافت جایزه گفت: از هیئت داوران و همه دوستان و بزرگوارانی که در بخش داوری بوده‌اند، تشکر می‌کنم. هر کدام از این عزیزان از بهترین‌ها هستند. واقعیت این است که در عرصه هنر چیزی به نام جایزه یا رتبه خیلی اهمیت ندارد. در هنر، روح و احساس اهمیت دارد و این برعکس بخش ورزش است که کاملاً معیارها فیزیکی است. دوستانی که جایزه می‌گیرند، خیلی خوشحالی ندارد و دوستانی هم که جایزه نگرفته‌اند خیلی نایب ناراحت باشند. می‌دانم که آثار ارزشمندی در سال گذشته پدید آمده که جایشان در اینجا خالی است. در ادامه جوایز بخش موسیقی تلفیقی و موسیقی دستگاهی به این شرح به برگزیدگان اهدا شد:

موسیقی تلفیقی بی‌کلام

جایزه یارید بخش آهنگ‌سازی موسیقی بی‌کلام به گلنوش صالحی برای آلبوم «۱۰ تیر» رسید.

موسیقی تلفیقی باکلام

جایزه یارید آهنگ‌سازی در بخش موسیقی باکلام - با توجه به نواوری در فرم و هارمونی جدید برای آثار گذشته، لوح تقدیر به فرزاد میلانی برای آلبوم «نوستالژی‌نامه» اهدا شد. جایزه یارید برای آهنگ‌سازی در بخش موسیقی باکلام به میلاد درخشانی برای آلبوم «حرف بز» رسید. در بخش موسیقی باکلام هیئت داوران هیچ‌کدام از خوانندگان را شایسته دریافت جایزه برنگذاشت.

آهنگ‌سازی موسیقی دستگاهی بی‌کلام

جایزه یارید در این بخش به قاسم رحیم‌زاده برای آلبوم «آغاز روزه» اهدا شد.

موسیقی دستگاهی باکلام

در این بخش هیئت داوران هیچ آلبومی را شایسته دریافت جایزه یارید ندانست. مجید مولانیا برای آلبوم «در عشق زنده باید» و محمد عشقی برای آلبوم «سرو بالا» تقدیر شدند.

موسیقی دستگاهی باکلام بخش خوانندگی

در این بخش هیئت داوران هیچ‌کدام از خوانندگان را شایسته دریافت جایزه یارید ندانست. در این بخش سالار عقیلی برای آلبوم «میهن وطنم خوشتر» و وحید تاج برای آلبوم «در عشق زنده باید» تقدیر شدند.

تفاوت بین‌درباران سیرک و خوانندگان

سالار عقیلی پس از گرفتن جایزه‌اش گفت: امیدوارم ما هنرمندان با هم خوب باشیم. بهتر است با هم مهربان‌تر باشیم تا همدیگر را فقط در مجالس ختم دیدار نکنیم. بهتر است گاهی دور هم جمع شویم و به‌طور حتم با این کار اتفاق‌های خوبی رخ می‌دهد. یادم می‌آید روزی یکی از دوستانم درباره تفاوت میان هنرمندان روی صحنه و بندبازانی که در سیرک‌ها برنامه اجرا می‌کنند، می‌گفت: «تفاوت شما هنرمندان با کسی که در سیرک بندبازی می‌کند، این است که همه برای آن بندباز دعا می‌کنند تا به پایین نیفتد، اما خیلی‌ها آرزو می‌کنند که شما به پایین کشیده شوید».

آهنگ‌سازی موسیقی پاپ

جایزه یارید بهترین آهنگ‌سازی و تنظیم بخش پاپ به کاوه یغمایی «ناگهان رفته» تعلق گرفت.

خوانندگی موسیقی پاپ

جایزه یارید بهترین خواننده موسیقی پاپ به مهدی یراحی برای آلبوم «آینه قدی» رسید.

موسیقی نواحی

در این بخش شهباز شاهیانی برای آلبوم «میخک بند» تقدیر شد؛ همچنین از فوزهی مجد هم تقدیر شد.

فرزانه نکواصل: سال ۱۳۹۱ برای انجام کاری شخصی به اصفهان سفر کردم. به توصیه بهروز مصری، محقق و پژوهشگر موسیقی اصیل، برای ازدست‌ندادن فرصت دیدار ناھید دایی جواد و منوچهر شیخ‌صراف در این سفر- که بحق این دیدار برای من، غنیمتی بود - با خانم ناھید تماس گرفتم. خیلی حوصله من را نداشتند و من را از سر خود باز کردند به بهانه مشغله و نداشتن فرصت. شکوه‌کنان به شیخ‌صراف زنگ زدم و ایشان با آرامش گفتند: «شما بیا خانم ناھید با من! کارت نباشد»، نفس راحتی کشیدم. به اصفهان رفتم. با شیخ‌صراف تماس گرفتم و به منزل ایشان رفتم. ایشان و همسر محترمشان به‌گرمی پذیرای من شدند. خانم ناھید هنوز نیامده بودند و من مشتاق و چشم به در که این هنرمند را ملاقات کنم. می‌خواستم به‌همراهشان سفر کنم به عمق خاطرات موسیقایی پدران و مادران سرزمینم. سرانجام انتظار به‌سر رسید. دوست‌داشتنی‌تر از تصور بودند. دوست داشتم به احترام موسیقی فاخر سرزمینم زانو بزنم و دستشان را ببوسم.

ساعاتی طولانی گفت‌وگو کردم. با حوصله و بدون نشانی از خستگی در چهره و صدای مهربانش به سؤالات من و حتی بیشتر از آن پاسخ دادند. آن‌قدر به آن جمع احساس تعلق داشتم‌که گویی سال‌هاست در بین آنها بوده‌ام. با انرژی و شغفی وصف‌نشدنی به محل اقامتم برگشتم. طعم شیرین این ملاقات همچنان در جان من است. در آغاز در معرفی خودشان چنین گفتند: «من متولد ۲۸ اردیبهشت سال ۱۳۲۱ هستم. پدر و مادر من دخترعمو و پسرعمو بودند و حاصل این وصلت سه‌س فرزند بود، یک دختر و دو پسر، برادرهای من هیچ‌کدام با موسیقی آشنایی نداشتند. نمی‌دانم چطور شد که من از کودکی به موسیقی علاقه‌مند بودم و از ابتدا من را تشویق می‌کردند که صدای خوب است و می‌شود شنید. من از رادیو می‌شنیدم گوش می‌کردم. خوشبختانه از رادیو مرتب موسیقی پخش می‌شد و من هم می‌شنیدم و یاد می‌گرفتم. علاقه زیادی به صدای منوچهر همایون‌پور داشتم. ما در محله احمدآباد اصفهان زندگی می‌کردیم و دوران کودکی من تا نوجوانی آنجا گذشت و بعد نقل‌مکان کردیم به محله عباس‌آباد که در آنجا وارد دانشکده ادبیات و در همان محله با آقای بازوکی آشنا شدم که فعالیت رسمی هنری من از آنجا شروع شد. سال ۱۳۴۱ وارد رادیو شدم. آن زمان آقای پیرنیا بودند و شدم خواننده کلها. از سالی که وارد رادیو شدم معلم بودم، چهار سال آموزگار بودم و بعد رفتم دانشگاه در امور دانشجویی کار کردم. سال ۱۳۵۵ با کیوان قدرخواه ازدواج کردم. مجدداً برگشتم به آموزش‌وپرورش تا سال ۱۳۷۴ که بازنشسته شدم». ادامه گفت‌وگویمان به شرح زیر است:

ک در مورد آثار و فعالیت هنری‌تان توضیح دهید.

کارهایی که در رادیو اصفهان انجام دادم، در کنار آقای کسایی بودم و با ارکستر رادیو اصفهان که عبارت بودند از: مرحوم علیخان ساغری، سیروس ساغری، مرحوم سعادت‌الله نوره، مهندس قدرت‌الله راستی، دکتر ابوالفضل سهیلیان، آقای جمشید شاهین، آقای ابراهیم گوهری، آقای جهانگیر بهشتی و آقای هوشنگ سراج که ضمن فعالیت در رادیوی اصفهان، به دعوت آقای پیرنیا، به تهران هم می‌آمدم.

آهنگ‌هایی که در رادیو اصفهان اجرا کردم، ساخته آقای جهانبخش بازوکی، آقای حسن کسایی، آقای هوشنگ سراج و آقای سیروس ساغری بودند و کارهایی که در برنامه کلها اجرا شد، ساخته آقای روح‌الله خالقی، آقای تجویدی و آقای هوشنگ معروفی از عارف قزوینی و چندان‌ها هم از جهانبخش بازوکی. اشعار هم از بهادر یگانه و رهی معیری بود که در آن زمان در قید حیات بودند و آهنگی بود از آقای معروفی با اشعار خاتم سیمین بهبهانی.

ک گفته می‌شود شما ۹۲ کار ضبط کرده‌اید.

بله همین‌طور است، منتها هیچ‌کدام از آنها باقی نمانده‌اند. در ابتدای انقلاب تمام آرشِیو رادیو اصفهان از بین رفت و کارهای من هم از بین رفت، خیلی از این کارها با همراهی استاد کسایی بود که وجود ایشان واقعاً غنیمت بود. سعی کردم که دوباره کارها را اجرا کنیم؛ اما نشد، موضوع، وجود آقای کسایی بود که در جمع ما باشد.

ک درحال حاضر کدام آثارتان باقی است؟

برنامه کلها، همه، هست؛ ۱۵ برنامه کلها و ۱۱ تا گلهای رنگارنگ است، سه تا شاخه گل و یک گلهای صحرایی و چند آهنگ تکتک که از آهنگ‌های آقای بازوکی بود. آهنگ‌های آقای هوشنگ سراج هست، یکی، دو تا از کارهای آقای کسایی هست که همه این کارها روی کاست است که باید روی سی‌دی برگردانده شود.

هنر

گفت‌وگویی منتشر نشده با زنده‌یاد ناھید دایی جواد

اولین خواننده زنی بودم که با اسم خودم معرفی شدم



ک در مورد آهنگ غروب کوهستان بگویید.

ایسن آهنگ در ابتدا خیلی عریض و طولی بود و اورتور خیلی مفصلی داشت و به نام «دره خاموش» بود و با شعری از جهانبخش بازوکی. بار اول در رادیو اصفهان اجرا و ضبط شد؛ با همان ارکستری که نام بردم. منتها آن موقع اجازه نداشتیم به صورت رسمی آن را بخش کنیم. فقط ضبط کردیم که یادگار بماند.

چون خانواده‌ام مخالف آواز خواندن من بودند که آن هم داستان خود را دارد، پدرم خیلی دوست داشت من آواز بخوانم. منوچهر سلطانی، پسرخاله مادرم بودند و رفیق صمیمی پدر، این دو اغلب با هم وقت می‌گذراندند. یکی از مشوقان من بودند برای آوازخواندن و همیشه به پدر می‌گفتند: «باقی -نام پدر من عبدالباقی بود- ناھید را بفرست رادیو». ایشان شاگرد بسیار خوب مرحوم صبا بود. ویلن خیلی خوب می‌زد و آهنگ‌ساز برجسته‌ای بود. شعر آهنگ‌هاشان را هم خودشان می‌گذاشتند. یکی از قشنگ‌ترین کارهای ایشان توسط خانم پوران اجرا شد در برنامه کلها در بیات ترک و دوتا را هم آقای کسایی آوردند

رادیو اصفهان که «ای جدایی» را من اجرا کردم. داشسان بخیر. متأسفانه ایشان به اصرار همسرشان رفتند آمریکا که در آنجا به خواست ایشان آمار خواندند. هنرمندی که دکتری آمار گرفت! متأسفانه دو، سه سال پیش در مریلند آمریکا فوت کردند و بسیاری ازآهنگ‌هایشان توسط هنرمندان دیگر اجرا شد و نبودند که از آهنگ‌هایشان دفاع کنند. آثاری که من زمان تئوسپی ایشان شاهد آن بودم.

ک چه شد که بالاخره به رادیو آمید؟

فامیل رضایت نمی‌داد که من بروم رادیو؛ این شد که پدر جلسه‌ای برگزار کرد به اتفاق مردان چون خانم‌ها حق اظهارنظر نداشتند. آقایان هم معتقد بودند که دختر باید شوهر کند. خانواده در خطر است، مگر می‌شود نوه فلانی آوازخوان شود، رادیو که اصلاً حرفش را نزنید. من هم مثل دخترانی که برایشان خواستگار می‌آید، پشت در گوش ایستاده بودم که ببینم نتیجه جلسه چه می‌شود. پدر دوست داشت من به رادیو بروم و همه، یکپارچه، مخالف بودند که دایی، من جواد دایی جواد -که وکیل دادگستری

 		
آقایان هم معتقد بودند که دختر باید شوهر کند. خانواده در خطر است، مگر می‌شود نوه فلانی آوازخوان شود، رادیو که اصلاً حرفش را نزنید. من هم مثل دخترانی که برایشان خواستگار می‌آید، پشت در گوش ایستاده بودم که ببینم نتیجه جلسه چه می‌شود. پدر دوست داشت من به رادیو بروم و همه، یکپارچه، مخالف بودند که دایی، من جواد دایی جواد -که وکیل دادگستری	 	
 		
آهنگ‌هایی که در رادیو اصفهان اجرا کردم، ساخته آقای جهانبخش بازوکی، آقای حسن کسایی، آقای هوشنگ سراج و آقای سیروس ساغری بودند و کارهایی که در برنامه کلها اجرا شد، ساخته آقای روح‌الله خالقی، آقای تجویدی و آقای هوشنگ معروفی از عارف قزوینی و چندان‌ها هم از جهانبخش بازوکی. اشعار هم از بهادر یگانه و رهی معیری بود که در آن زمان در قید حیات بودند	 	

من در سال ۱۳۴۸ از رادیو بیرون آمدم در حالی که در سال ۱۳۵۵ ازدواج کردم. اصلاً همسرم من را به تشویق آواز-ه خوان‌بودنم انتخاب کرد؛ چون من نه ظاهر آنچنانی داشتم، نه قد و بالایی. فعالیت‌های هنری من بعد از ازدواج کمتر شد؛ اما ادامه داشتم.

ک از آشنایی‌تان با همسرتان بگویید.

من در سال ۱۳۵۵ در بلوغ مدرن و نوپرداز بود، ازدواج کردم، کیوان نوه عمه پدر و مادر من بود و همسایه ما و زیاد به منزل ما می‌آمد. من به تشویق او کتاب‌های بسیاری خواندم، می‌آمد و دو کتاب به من می‌داد و می‌گفت: «یک هفته فرصت داری این کتاب‌ها را بخوانی». من بزرگ‌ترین رمان‌ها را در دوره دبستان به خاطر تشویق‌های کیوان خواندم. به دانشکده حقوق تهران رفت و من هم در اصفهان به دانشکده ادبیات درس خواندم و در این فاصله ما همدیگر را ندیدیم.

کیوان خیلی علاقه‌مند بود به هنرمندان ادب این مملکت و خانه ما همیشه محفل ادیبان بود و این شاید شانس من بود که در منزل با بزرگان ادب آشنا شدم و باعث این، همسرم بود.

کیوان خودخواه چهار مجموعه شعر دارد به نام‌های: «کوشه‌های اصفهان»، «بری‌خوانی‌ها»، «از تواریخ ایام»، «سایه‌های نیاسر». او عاشق اصفهان بود تا حدی که وقتی مثلاً به پل خواجو می‌رفت، انکار که از یک مکان زیارتی دیدن می‌کند.

حاصل این ازدواج یک دختر است که به هنر نقاشی علاقه‌مند است. پدرش هم به نقاشی علاقه‌مند بود. دخترم کانادا زندگی می‌کرد که بعد از فوت پدرش آمد ایران و دیگر برگشت. یک نوه دختر دارم که

«سامورایی‌ها» دوباره در کجشنبه‌ها

سامورایی‌ها که نهم دی روی صحنه رفت، تجربه‌ای از بداهه در تمام ابعاد بود. سیاوش امامی، ماکان اشکوری و محمدرضا اصغری برای اولین‌بار بود که کنار یکدیگر اجرا و حتی تمرین می‌کردند. همچنین اشکان قدیم‌خانی به‌عنوان پردازنده ویدئومینگ به شکل بداهه عمل کرد. در این اجرا، رضا فرهادی نیز به‌عنوان صدابردار در کنار گروه و با آزادی عمل، میکس صدا را انجام داد.

اعضای پروژه سامورایی‌ها هرکدام تجربیات متفاوت و مختلفی

آن‌قدر دوستش دارم که می‌توانم جانم را به او بدهم. همیشه فکر می‌کنم چطور می‌شود که آدم این‌قدر نوه‌اش را دوست داشته باشد، حتی بیشتر از بچه‌اش. کیوان ۱۰ دی سال ۱۳۸۳ بر اثر بیماری درگذشت.

ک از خاطرات خود با هنرمندان بگویید.

نوازنده‌ای که همیشه آرزو داشتم او را ببینم و فقط جواب سلام من را بدهد، آقای پرویز یاحقی بود. بار اول که ایشان را دیدم، در راهروی استودیو ۸ رادیو ایران بود که با آقای معروفی آهنگ «قسم به خدا» را ضبط می‌کردیم. به من گفتند: «تو برو بیرون، خسته می‌شوی، تا ارکستر تمرین کند». آقای یاحقی با دو، سه نفر دیگر در راهرو ایستاده بودند. به من گفتند: «تو کی هستی که اینجا ایستاده‌ای؟» گفتم: «من ناھید دایی جواد». گفتند: «گوینده‌ای؟» گفتم: «خیر با آقای معروفی ضبط دارم». گفتند: «تو ناھیدی؟!». به من خیلی اظهار لطف کردند و هنوز هم این خاطره را مرور می‌کنم، بدنم می‌لرزد.

ک بعد از انقلاب مشکلاتی که برای هنرمندان

پیش آمد، برای شما هم اتفاق افتاد؟

خیر- چون من قبل از انقلاب از رادیو بیرون آمده بودم، مشکلی نداشت. چند بار خواسته شدم که اغلب معلم‌ها را خواسته بودند. ربطی به هنرمندبودن من نداشت.

ک شما به‌عنوان یک زن هنرمند نشان دادید که می‌شود هنرمند بود و سالم زندگی کرد؛ صحبتی دراین‌باره دارید؟

مسائل اخلاقی هیچ ارتباطی به هنرمندبودن ندارد. نمی‌شود کردن هنر انداخت. هنرمند یک خلاق است. به قول همسرم: «هر انسانی در خودش یک جهان است و هر هنرمندی یک الهه است».

شاید به خاطر داشتن یک کار خوب یا مطرح‌شدن، یک‌سری اتفاقات بیفتد-؛ اما یک هنرمند کافی است تنها کار خوب ارائه دهد برای معرفی خود.

ک از عملی بگویید و اینکه بعد از بازنشستگی چه کار کردید؟

قبل از اینکه لیسانس بگیرم، به استخدام آموزش‌وپرورش درآمدم. یکی از اساتید در یک درس به من نمره نمی‌داد، آقای صدرهاشمی و من ناچار شدم آن درس را با آقای دیگری بردارم و در سال ۱۳۴۵ فارغ‌التحصیل شدم. از رادیو که بیرون آمدم، همان سال توسط رئیس دانشگاه وقت اصفهان به استخدام دانشگاه درآمدم؛ در امور دانشجویی مسئول خوابگاه‌ها و تا سال ۱۳۵۵ هم آنجا بودم که به خاطر پرخاش دانشجویی حالم بد شد و بیمار شدم. همسرم گفت: «دوباره برگرد به آموزش‌وپرورش». سال ۱۳۷۴ بازنشسته شدم. بعد از بازنشستگی به تدریس آواز پرداختم. بعد از انقلاب بیشتر به آواز روی آوردم. فرصت داشتم روی ردیف‌های آوازی استاد کسایی و استاد محمود کریمی کار کنم و همین‌طور کارهای آقای تاج، آقای قوامی، آقای ایرج و آقای گلیاکیانی که حق مسلمی برای آنان این مملکت دارند. خاطرم هست زمانی که ما محصل بودیم، همه می‌خواستند بشوند اکبر کلپا. هرکس می‌آمد امتحان بدهد، مثل او می‌خواند و آقای تاج می‌گفتند: «چانه مثل خودت بخوان». وقتی کار آدم تأثیرگذار باشد، این اتفاق می‌افتد. البته من قبل از انقلاب هم آواز کار می‌کردم. من اولین زنی بودم که در برنامه کلها آواز خواندم.

مثنوی‌ها را اجرا کردم. شاخه گل ۳۲۳، شاخه گل ۳۰۶ و شاخه گل ۲۹۷ و اهل فن می‌دانند که مثنوی را باید با تحریرها و حالت‌ها و خصوصیات خودش اجرا کرد تا مورد قبول باشد که من خوشبختانه از پس این کار برآمدم؛ در کنار بزرگان هنر موسیقی این مملکت مثل آقای حبیب‌الله دبئی، احمد عبادی، رضا ورزنده و جلیل شهنواز که هم من را راهنمایی می‌کردند و هم باعث شدند من به آواز علاقه‌مند شوم.

ک با تغییراتی که در موسیقی ایرانی ایجاد می‌شود، چقدر موافق هستی؟

یک‌سری اتفاقات ممکن است بیفتد. اصلاً موسیقی ما همیشه گرفتار این مصیبت بوده؛ اما اگر تاریخ را ورق بزنیم، می‌بینید عده‌ای بودند که همیشه رسالت داشتند حافظ موسیقی اصیل باشند. اصل کار را نمی‌شود تغییر داد. البته من با تغییرات خوب که باعث علاقه‌مندشدن جوان‌ها به موسیقی اصیل شود و به اصل کار آسیب نزنند، موافقم.

ک در مورد خوانندگان این نسل نظرتان چیست؟ متأسفانه همه خوانندگان مرد از هم تقلید می‌کنند؛ شما هیچ تشخیصی در صداها نمی‌بینید. صداها شخصیت ندارند؛ همه می‌خواهند مثل فلان خواننده شوند و این اشتباه است. خود آن خواننده که هست.

ک سخن آخر؟

آرزو دارم فضایی برای فعالیت خانم‌ها باز شود. چراکه ما هنرمند توانمند خانم خیلی داریم که هیچ جایی برای ارائه هنر خود ندارند. در موسیقی الکترونیک، جَز و راک دارند. سیاوش امامی به‌زودی از آلبومش با گروه میوت‌ایجنسی به خوانندگی هومن آذری رونمایی خواهد کرد. ماکان اشکوری هم پس از آلبوم «دور» حالا روی آلبوم جدیدی کار می‌کند. او به‌تازگی اجرای «لیما» را پشت سر گذاشته و قرار است اجرایی از قطعات ابراهیم منصفی داشته باشد. محمدرضا اصغری نیز جدا از فعالیتش در هشتگ تهران، به‌تازگی در اجرای «حِرمان» امید نعمتی حضور داشته است».

رو ی خط خیر

بداهه‌نوازی تنبور و ساز کوبه‌ای آفریقایی در نیاوران

● **موسیقی** ما؛ کنسرت بداهه‌نوازی تنبور و سازهای کوبه‌ای با عنوان «شب‌شکن»، روز گذشته دوم بهمن در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد. در این اجرا رضا علی‌آبادی به بداهه‌نوازی تنبور و میلاد عباسی به اجرای سازهای کوبه‌ایی پرداختند. رضا علی‌آبادی، نوازنده تنبور، با ذکر این مطلب که این برنامه در فضای مقامی انحصاری ساز تنبور و نیز مدگرسی از این فضا به فضای ردیف دستگاهی ایران انجام گرفت، می‌گوید: «با حضور میلاد عباسی، نوازنده سازهای کوبه‌ای و به‌کارگیری ریتم‌پردازِ متفاوت و متنوع، با بهره‌گیری از سازهای کوبه‌ای مختلف ازجمله چند ساز آفریقایی، تلاش کردیم رویکردی تازه‌تر در چنین برنامه‌هایی داشته باشیم».

بداهه‌نوازی در موسیقی شرقی جایگاه ویژه‌ای دارد و یکی از مهم‌ترین شیوه‌های اجرایی در موسیقی سنتی محسوب می‌شود. در این سال‌ها، در کنسرت‌های رسمی در حوزه موسیقی مقامی و عرفانی، به این شیوه اجرایی بهای کمتری داده شده و از این روی، این کنسرت تأکیدی بر هنر بداهه‌نوازی و ترویج آن داشته است.

خانه سینما میزبان «موسیقی فیلم در سینما»

● سمینار آموزشی- کاربردی «موسیقی فیلم در سینما» در خانه سینما برگزار می‌شود. ساعت ۱۳ تا ۱۸ روز چهارشنبه چهار بهمن، کانون آهنگ‌سازان، سینمای ایران میزبان جمع بهمن، کانون آهنگ‌سازان، کارگردانان و تهیه‌کنندگان سینمای ایران است تا در سمینار یک‌روزه آموزشی - کاربردی «موسیقی فیلم در سینما» تجربیات خود را به تعامل بگذارند. در این سمینار که با حضور هنرمندانی مانند کیوسمرت پورا‌حسد، فردین خلعتبری، خسرو سینایی، آریا عظیمی‌نژاد، میکس میرا، پیمان یزدانیان و رامین صدیقی برگزار می‌شود، علاوه بر سخنرانی‌ها، جلسات پرسش و پاسخی نیز با حضار انجام می‌شود. حضور علاقه‌مندان سینما و موسیقی فیلم در سمینار آزاد است و برای شرکت در این برنامه می‌توانند رأس ساعت یادشده به تالار زنده‌یاد سیف‌الله داد در خانه سینما مراجعه کنند.

آیهان با خوانندگان کشور آذربایجان کنسرت می‌دهد

● خواننده موسیقی پاپ آذربایجانی اسفند سال جاری با همراهی تعدادی از هنرمندان موسیقی کشور آذربایجان، کنسرتی را در تالار وزارت کشور برگزار می‌کند. آیهان، خواننده موسیقی پاپ آذربایجانی، با همراهی گروه «مِی‌جان» تهیه‌کنندگی ناشر آذرتاش برای دومین‌بار با هنرمندان کشور آذربایجان ازجمله بال اوغلان اشرف او، الچین حسین او و نامیک قاراچوخرلو ساعت ۲۲ روز پنجشنبه سوم اسفند کنسرتی را در تالار وزارت کشور برگزار می‌کنند.

این خواننده درباره اجرای پیش‌رو گفت: سوم اسفندماه کنسرت مشترک موسیقی پاپ آذری با حضور بنده و سه خواننده موسیقی کشور آذربایجان با نام‌های بال اوغلان اشرف‌او، الچین حسین‌او و نامیک قاراچوخرلو در تالار وزارت کشور برگزار می‌شود. در این کنسرت نوازندگان گروه ریخان به رهبری ارکستر حجت میبدول قطعات مختلفی را برای علاقه‌مندان موسیقی آذربایجان اجرا خواهند کرد. وی افزود: یکی از ویژگی‌های مهم این کنسرت حضور چهار خواننده از چهار نسل مختلف موسیقی است که تاکنون در زائرهای متفاوت موسیقی آذربایجانی به فعالیت مشغول بودند. آیهان توضیح داد: در کنسرت پیش‌رو ضمن اجرای قطعات فولکلور موسیقی آذربایجانی که همیشه با تقاضای مخاطبان همراه است، قطعات جدید و غیرتکراری هم داریم که برای اجرای آنها تمرین زیادی انجام شده که امیدوارم نتیجه رضایت‌بخشی را به همراه داشته باشد.

پروژه «چند شب دونوازی همساز» آغاز می‌شود

● در ادامه مجموعه برنامه‌های «چند شب»، پروژه «چند شب دونوازی همساز» از پنجم بهمن ماه در تالار رودکی برگزار می‌شود. به گزارش ایسنا به‌نقل از روابطعمومی مؤسسه فرهنگی هنری «نغمه حصار»، پروژه «چند شب دونوازی همساز» در ادامه مجموعه کنسرت‌های «چند شب» از روز پنجم بهمن ماه با حضور تعدادی از هنرمندان مطرح موسیقی ایرانی در تالار رودکی تهران آغاز می‌شود. در این دوره ۹ «دوئت همساز» در سه کنسرت به اجرای برنامه می‌پردازند. در پروژه «چند شب دونوازی همساز» که در ادامه پروژه‌های «چند شب تار»، «چند شب کامناچه»، «چند شب گیتار» و «چند شب عود» برگزار می‌شود موضوع دونوازی در موسیقی ایرانی آن هم در نوع همساز کمتردریافته شده، مورد توجه قرار می‌گیرد که در این دوره اجرای دونوازی «کمانچه با کامناچه»، «تار با تار» و «عود با عود» توسط هنرمندان فعال این عرصه در تالار رودکی پیش‌روی مخاطبان قرار می‌گیرد.